برادر وا بجا در توبه باشی / نه بر تن تخم عصیان را تو پاشی
نصیحت را اشنو با او وفا کن / تو گاهی این غریبی را دعا کن
هزاران حیفه در جز ما نیست / دگر نه هرچه میخواهی همی نیست
هزاران غنچه در دو نهفته / که بعد مردن من در دم شکفته
چه داند قدر گل را داغ کرکس / تو شعر خود مخوان در پیش هر کس
سخن را با بجند انکو که داند / به نزد بیخرد ضایع بماند
به هر کوی غریبا چند کوشی / چه افعال است افعال خموشی
بگفتی گفتنی بار احمد بار / نه گل ماند نه خار خس نه گفتار
بهار از دست رفت آمد خزانی / که کردم مختصر دیگر تو دانی

عزیزم باید که از صحبت ناقابلان دور باشی و کسیکه گفته است
واقف احوال نیست جز کرکس است ابر و دیر و حرف ملتی حیا بنجه تنبیدی

بهرکه

۴۷

بهرکه جاهی کنی و دوستی / به نیک و بد او نظر کن تمام
اگر نیک خلق است با او گذرای / باو بگذران روزگار تمام
اگر ناپسند است احوال او / بسلام علیکم علیک السلام

عزیزم نهار واقف احوال خویش باش و به سبب تنبلی
ترک نماز روزه مکن زیرا که رسول صلی الله علیه وسلم گفته اند
فوت روح بهتر است بر بنده مؤمن از فوت نماز فرایض زیرا که
فوت روح جدا میکند آدمی را از اخوان فوت نماز جدا میکند
از رحمان اگر عاقلی گوش دار نصیحت این غریب را سهل مشمار
و از خدا بتر مدار و امر نهی او را بجای آر و فرصت را غنیمت
شمار زیرا که اساس عمر ما و تر انیست مدار و از برای
بهشت روزگار خود را سرگردان مدار و صفت همین دنیا ست

Copyright © King Saud University